

معمولاً هر نظام سیاسی ای از دو دسته عناصر اصلی و اقتضایی تشکیل می‌شود. در اندیشه سیاسی امام، عناصری همچون ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه اقتضایی و مبتنی بر تجارب بشری و نیاز و مصلحت کشور است.



فید سیاسی در کلمه مرکب «فقه سیاسی» صرفاً توضیحی است و نه احترازی. به سخن دیگر فقه، همچون اخلاق و فلسفه، از منظر امام خمینی به فردی و اجتماعی و سیاسی و غیرسیاسی تقسیم نمی‌شود، بلکه مستقیماً با جامعه و اقتصاد و فرهنگ و سیاست ارتباط دارد و نقش قانون اسلام را ایفا می‌کند. به همین جهت، هر کسی که در نظام اسلامی مسئولیتی دارد باید به قانون اسلام، یعنی فقه اسلام، در همان حیطه‌ای که در آن مشغول فعالیت است آشنا باشد. به این ترتیب، گستره فقه از قله حکومت تا دامنه آن را در بر می‌گیرد. پس اسلام یعنی حکومت و نظام سیاسی ای که فقه قانون آن است.

فقه سیاسی، که سیاست در آن به شکلی آشکارتر و برجسته‌تر است، بخش سوم منظومه فکری امام خمینی را تشکیل می‌دهد. در اندیشه امام خمینی، فقه تئوری اداره انسان از میلاد تا مرگ و از گهواره تا گور است. عنصر کلیدی در نظام جواهری فقه سیاسی امام خمینی، که نقش اساسی ای در سعادت انسان دارد، ولی فقیه است. در اندیشه امام خمینی، اثبات ولی فقیه امری کاملاً بدیهی و بی‌نیاز از دلیل می‌باشد و اندک آشنایی با احکام فقهی اسلام برای تأیید آن کافی است. به این ترتیب، اسلامی که ذاتاً سیاسی است در مرکز منظومه فکری امام خمینی می‌درخشد.

این امام و ولی است که زمام جامعه را به دست می‌گیرد و امت خویش را به جنت یا جحیم می‌برد و سعادت یا شقاوت دنیوی و اخروی آن‌ها را رقم می‌زند. وقتی گفتیم که هدف از خلقت انسان متفاوت از حیوان است، سعادت انسان و حیوان هم از یکدیگر متمایز خواهد بود. سعادت حیوان صرفاً مادی و دنیوی و سعادت انسان مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، ظاهری و باطنی، فردی و خانوادگی و اجتماعی خواهد بود. شاه کلید سعادت انسان آن نظام سیاسی ای است که مقدرات این انسان را رقم می‌زند.

معمولاً هر نظام سیاسی ای از دو دسته عناصر اصلی و اقتضایی تشکیل می‌شود. در اندیشه سیاسی امام، عناصری همچون ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه اقتضایی و مبتنی بر تجارب بشری و نیاز و مصلحت کشور است. عنصر کلیدی و اصلی هم‌رهبری است. در زمان حضور پیامبر و امام آن بزرگواران رهبر هستند و در صورت